

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شایه: 1735-739X

دوره ۱۱، شماره ۳ (پیاپی ۶)، بهار ۹۹

عوامل تأثیر گذار بر روابط ج.ا.ایران و ج.آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶

دکتر حسین پوراحمدی میبدی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۲۵

محمد پدین**

تاریخ تأیید: ۹۸/۰۷/۱۶

چکیده

یکی از کشورهای منطقه قفقاز جنوبی که توانست استقلال خود را از پس از فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ به دست آورد، آذربایجان است که به دلیل داشتن منابع انرژی فراوان به خصوص نفت و گاز دارای اهمیت به سزایی در بین کشورهای این حوزه است. از همین رو ج.ا.ایران نیز با توجه به پیوندهای تاریخی، قومی، فرهنگی، مذهبی و همسایگی که با آذربایجان دارد، همواره تلاش کرده روابط خود را با این کشور افزایش دهد. با این حال تهران برای به دست آوردن اهداف و منافع اش در آذربایجان و ایجاد روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و انرژی با مسائل و مشکلاتی روبه رو بوده و ما در این مقاله در پی بررسی این مشکلات و موانع پیش پای ج.ا.ایران هستیم. در واقع پس از فروپاشی شوروی، عوامل استراتژیکی، ژئوکالچر، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک در شکل دادن سیاست مبتنی بر رقابت ایران با آذربایجان مؤثر بوده که موضوع مورد بررسی ما است. به علاوه، ما در این مقاله از چارچوب نظری واقع‌گرایی نوکلاسیک (واقع‌گرایی تدافعی) و روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سیاست خارجی ایران و عوامل مؤثر بر آن استفاده می‌کنیم.

واژگان کلیدی: ایران، جمهوری آذربایجان، انرژی، واقع‌گرایی تدافعی.

صفحات: ۱۴۶-۱۱۵

* استاد گروه علوم سیاسی
و روابط بین‌الملل دانشگاه
شهید بهشتی

h-pourahmadi@sbu.
ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی
ارشد روابط بین‌الملل
دانشگاه شهید بهشتی تهران
(نویسنده مسئول)

mohammadparin@
yahoo.com

مقدمه

بی‌تردید چارچوب نظری غالب در تحلیل روابط ج.ا. ایران و جمهوری آذربایجان پارادایم واقع‌گرایی است. به ویژه در بسیاری از تحلیل‌ها و مطالعات سیاست خارجی ایران و آذربایجان از دو نظریه واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی استفاده شده است. اما این دو نظریه به دلیل ماهیت تقلیل‌گرای خود در تحلیل سیاست خارجی و روابط دو کشور آذربایجان و ایران دچار کاستی و نارسایی‌اند. واقع‌گرایی از آن جهت که تنها روابط ایران و آذربایجان را به متغیرهای سطح واحد فرو می‌کاهد و به اجبارها و الزامات نظام بین‌الملل چندان اهمیت نمی‌دهد و نواقع‌گرایی نیز از آن رو که صرفاً بر اساس منطق جبرگرایی خود همه چیز را به ساختار نظام بین‌الملل تقلیل می‌دهد و ارزش علی برای ویژگی‌ها و خصوصیات ملی کشورها قائل نمی‌شود. از این رو واقع‌گرایی نوکلاسیک که هم به متغیرهای سطح واحد و هم به ساختار نظام بین‌الملل می‌پردازد، می‌تواند ما را در تحلیل روابط جمهوری آذربایجان و ایران و عوامل تاثیرگذار بر این روابط کمک و افری کند.

در پی فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی، آذربایجان به دلیل همجواری با ج.ا. ایران به عنوان منطقه هم‌مرز با تاریخ مشترک گذشته خود که مدت‌ها نیز جزئی از سرزمین و قلمرو حاکمیت دولت ایران محسوب شده، اهمیت دوباره پیدا کرده است. از دیدگاه ج.ا. ایران روابط دوستانه با آذربایجان به سبب دلایل متنوع استراتژیک، اقتصادی، قومی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. اما روابط ایران و آذربایجان از بدو تأسیس این کشور با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه بوده که چشم‌انداز یک روابط سراسر دوستانه و پرسود بین دو طرف را از بین برده است. در واقع دو کشور بر سر موضوعات مختلفی مانند بحران قره‌باغ، تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، موضوع آذری‌ها در ایران، اختلافات ایدئولوژیکی، حضور اسرائیل و امریکا در آذربایجان و غیره با هم اختلاف دارند که باعث دوره‌هایی از تنش و بحران بین دو کشور شده و تأثیر منفی بر روابط دو کشور در بیش از دو دهه اخیر گذاشته است.

ما در این مقاله سعی در تجزیه و تحلیل این موارد و تأثیر آنها بر روابط دو کشور می‌باشیم. از این رو سوالی طراحی کردیم که به این صورت است؛

«عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی و دستاوردهای ج.ا. ایران در آذربایجان بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ کدامند و چه تاثیری بر روابط دو کشور داشته‌اند؟» فرضیه مقاله ما این است که پس از فروپاشی شوروی عوامل استراتژیکی، ژئوکالچر، ژئوآکونومیک و ژئوپلیتیک در شکل دادن سیاست مبتنی بر رقابت ایران با آذربایجان مؤثر بوده است. همچنین ما تلاش کردیم با استفاده از رویکرد واقع‌گرای نوکلاسیک به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ج.ا. ایران در آذربایجان پردازیم.

ادبیات و پیشینه پژوهش

در ارتباط با عوامل تأثیرگذار بر روابط ج.ا.ایران و ج.آذربایجان کتابی به زبان فارسی به شکل مستقیم و اختصاصی وجود ندارد و تنها به روابط ج.ا.ایران و ج.آذربایجان به صورت کلی و سیر تاریخی این روابط پرداخته شده است. همچنین مقالات انتشار یافته در این سال‌ها در مورد روابط ایران و جمهوری آذربایجان بسیار اندک بوده و بیشتر ذیل عنوان روابط ایران با جمهوری‌های قفقاز جنوبی به صورت کلی و نه چندان موشکافانه بوده است. از این رو ما در زیر به بررسی پیشینه این کتاب‌ها و مقالات خواهیم پرداخت. بهرام امیراحمدیان در کتاب خود با عنوان روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذربها به ایران، در بخش‌های گوناگون به تاریخ روابط ایران و جوهری آذربایجان، بررسی نام جعلی آذربایجان، تاریخ آذربایجان، موقعیت جغرافیایی ج.آذربایجان و بررسی کتاب‌های درس تاریخ در ج. آذربایجان پرداخته است. با این حال، به خاطر نگارش این کتاب در حدود ۱۳ سال پیش و عدم توجه ناکافی به عوامل مؤثر بر روابط ایران و جمهوری آذربایجان نمی‌تواند کمک چندانی به درک عوامل مؤثر بر روابط ایران و ج.آذربایجان داشته باشد.

مقاله تأثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان بر روابط با جمهوری اسلامی ایران نوشته مجید عباسی، مرتضی نورمحمدی و سید محمدرضا موسوی درصدد شناخت تأثیرات ویژگی‌های ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان بر روابط دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران است. همچنین به عوامل تأثیرگذار بر روابط دو کشور پرداخته است. اما چون این مقاله تنها به عواملی چون تأثیر روابط اسرائیل با ج.آذربایجان، رژیم حقوقی دریای خزر، مسئله قره‌باغ و مسئله

ملی‌گرایان و سیاست‌های فرهنگی-مذهبی پرداخته و از عواملی مانند حضور و مداخلات امریکا در سیاست‌های ج. آذربایجان، همچنین همکاری و نزدیکی آذربایجان با ناتو، تأثیر روابط ارمنستان و ایران بر روابط دو کشور، اتهامات جاسوسی ایران و آذربایجان به همدیگر، تلاش عربستان برای نفوذ در آذربایجان، موضع ج. آذربایجان در قبال برنامه هسته‌ای ایران و ... غافل شده، مقاله‌ای ناقص در مورد عوامل مؤثر بر روابط ج. آذربایجان و ج. ا. ایران به حساب می‌آید و نمی‌تواند کمک شایانی در این موضوع به ما بکند.

مقاله بررسی و تحلیل موانع ژئوپلیتیکی مناسبات اقتصادی ایران - جمهوری آذربایجان یاشار ذکی و علی ولیقلی زاده به بررسی موانع و عوامل مؤثر بر روابط ایران و ج. آذربایجان پرداخته، اما این مقاله نیز تنها به چهار عامل مؤثر بر روابط دو کشور یعنی تأثیر روابط اسرائیل و آذربایجان، رژیم حقوقی دریای خزر، بحران قره‌باغ و تقابل رویکردهای ناسیونالیستی بین دو کشور پرداخته و از مسائل دیگر مؤثر بر روابط دو کشور غافل بوده است. مسائلی که تأثیر مهمی بر روابط دو کشور داشته است. بدین ترتیب، مرور مختصری بر منابع و پیشینه موضوع مورد مطالعه مقاله حاضر نشان می‌دهد بررسی عوامل تاثیرگذار بر روابط ج. ا. ایران و ج. آذربایجان، کمتر مورد توجه پژوهشگران داخلی واقع شده و موارد پرداخته شده نیز بسیار کلی و ناقص به عوامل تاثیرگذار بر روابط دو کشور پرداخته‌اند. لذا مقاله حاضر تلاش می‌کند تا با واکاوی این موضوع خلأ موجود در این زمینه را تا حدودی پر کند.

چارچوب نظری

عنوان واقع‌گرایی نوکلاسیک اولین بار در مقاله‌ای از سوی گیدنون رز با تکیه بر آرای متفکران پیشین واقع‌گرایانه معرفی شد که به خصوص نقد خود را متوجه نگاه نظام‌مند و متکی بر توازن قوای والتز کردند. این تئوری به مرور در نوشته‌های تالیفسارو، وولفورث، رندال شول و دیگران پرورش یافت (سلیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۳). واقع‌گرایی نوکلاسیک تلفیقی از واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی است. این نظریه در واکنش به ضد تقلیل‌گرایی بیش از اندازه نواقع‌گرایی ارائه شد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۰: ۳). نوکلاسیک‌ها معتقدند که نواقع‌گرایان تنها نتایج نظام‌مند مانند تکرار موازنه قدرت و نبود سیستم‌های

هژمونیک پایدار در طول تاریخ را تبیین می‌کنند. در حالیکه نوکلاسیک‌ها به دنبال توضیح تغییرپذیری در سیاست خارجی دولت یکسان در فرایند زمان یا در میان دولت‌های مختلف مواجه با محدودیت‌های خارجی مشابه هستند (حق شناس، ۱۳۹۲: ۶).

از اینرو واقع‌گرایی نوکلاسیک مفروضه‌های نوواقع‌گرایی را رد نمی‌کند، بلکه درصدد اصلاح آنهاست تا رفتار و سیاست خارجی کشورهای منفرد و مشخص را تبیین نماید. به گونه‌ای که با تاکید بر تعامل نظام بین‌الملل و پویای کشورهای تلاش می‌کند تا راهبردهای کلان کشورهای منفرد در قبال الگوهای تکرار شونده نتایج بین‌المللی را توضیح دهد. نوکلاسیک‌ها را می‌توان بر اساس تقسیم‌بندی جک اسنایدر در دو مقوله تهاجمی و تدافعی گنجانند. طرفداران واقع‌گرایی تهاجمی بر این باورند که هرج و مرج دولت‌ها را وادار می‌کند تا قدرت نسبی خود را بیشینه سازند، زیرا امنیت و بقا در درون نظام بین‌الملل هیچگاه قطعی نیست. واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند که احتمال وقوع جنگ همواره وجود دارد و هیچگاه به میزان آرامش بخشی تنزل نمی‌کند و تنها قدرت است که می‌تواند از خطر احتمال روی دادن جنگ جلوگیری کند و در صورت رخداد آن، مانع شکست شود.

در حالیکه واقع‌گرایان تدافعی به رابطه میان هرج و مرج و الزامات نظام بین‌الملل از یکسو و رفتار دولتها از سوی دیگر توجه دارند. فرض آنها بر این است که هرج و مرج بین‌المللی معمولاً قابل چاره‌است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است و در نتیجه دولت‌هایی که آن را در می‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت. آنها تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علی‌شان وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. این واکنش نیز بیشتر در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است (امیراحمدیان، ۱۳۹۵: ۴-۳). بنابراین کشورها علیرغم مسائل و اختلافاتی که با یکدیگر دارند درصدد استفاده از زور و نیروی نظامی علیه یکدیگر نیستند و سعی دارند از طریق مسالمت‌آمیز اختلافات خود را حل و فصل کنند. از اینرو بر اساس این نظریه ایجاد همکاری و روابط دوستانه بین کشورهای تهدیدگر نیز دور از ذهن نیست و البته این امر به تغییرات داخلی و منطقه‌ای جهانی بین کشورها نیز مربوط است. به طور کلی

واقع‌گرایی تدافعی مبتنی بر چهار مفروضه است که عبارت‌اند از:

۱. معضل امنیت؛ به نظر واقع‌گرایی تدافعی توسعه‌طلبی همیشه به امنیت بیشتر منجر نمی‌شود.
۲. برداشت‌های ذهنی رهبران؛ تأثیر ساختار ظریف قدرت و توانمندی‌های مادی بر رفتار دولت از طریق تصورات یا برداشت‌های ذهنی رهبران ملی است.
۳. عرصه سیاست داخلی؛ به نظر واقع‌گرایان تدافعی استقلال دولت در برابر جامعه مدنی، ائتلاف‌های سیاسی، عرصه سیاست سازمانی و روابط میان بخش‌های لشگری و کشوری جملگی توانایی رهبران را در بسیج منابع تحت تأثیر قرار می‌دهند.
۴. عرصه تحلیل سیستمی؛ این سطح تحلیل به پرسش‌هایی درباره قدرت نسبی دولت‌ها پاسخ می‌دهد. نظام بین‌الملل به عنوان مجموعه‌ای از دولت‌ها تعریف می‌شود که توانمندی‌های نسبی دولت‌ها از قبیل قدرت و ثروتشان که بر امکان‌ها و احتمالات اقدام و موفقیت آنها در سطح جهانی تأثیر می‌گذارد، برهم کنشی‌های آنها را هدایت می‌کنند. زمانی که اقتصاد یک کشور ثروت بیشتری به بار می‌آورد یا زمانی که توانایی فن‌آوری یا نظامی به دست می‌آورد، این ویژگی‌های نسبی چه بسا در طول زمان تغییر بکنند. عکس آن نیز ممکن است درست باشد (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۳۴). در ادامه ما ابتدا به سطح روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری‌های دو کشور می‌پردازیم و سپس به عوامل مؤثر بر روابط دو کشور خواهیم پرداخت. عواملی که اکثراً موجب بروز تنش و اختلافاتی بین دو کشور شده، اما بر اساس واقع‌گرایی تدافعی دو کشور تلاش کردند از راه‌های غیرخشونت‌آمیز با آنها برخورد کنند.

روابط ایران و ج. آذربایجان

اکبرهاشمی رفسنجانی

پس از استقلال جمهوری آذربایجان برقراری روابط رسمی میان این کشور و ایران در ژانویه ۱۹۹۲ و در زمان ریاست جمهوری آیت‌الله اکبرهاشمی رفسنجانی آغاز شد. نخستین محور همکاری سیاسی ایران با جمهوری آذربایجان در این دوره تلاش تهران برای ورود باکو به سازمان‌های منطقه‌ای از جمله اکو و سازمان همکاری‌های اسلامی بود. حتی در سال ۱۹۹۲ ج.ا. ایران در دستور کاری همه

سفارتخانه‌های خود در جهان را ملزم به ارائه خدمات به دیپلمات‌های جمهوری آذربایجان کرد (امیر احمدیان، ۱۳۸۴: ۱۶۳). در این دوره بیش از ۹۰ سند همکاری در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه اعلامیه گروه‌های دوستی میان دولت‌ها و مجالس دو کشور در جریان سفر حیدر علی‌اف در سال ۱۹۹۴ بین روسای جمهوری دو کشور به امضاء رسد (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲: ۵-۴). همچنین بر اساس آمار موجود میزان تبادلات تجاری و بازرگانی بین دو کشور در این دوره بسیار قابل توجه بوده که نشان از تلاش ایران در این دوره برای ایجاد روابط نزدیک و دستانه با جمهوری آذربایجان دارد.

محمد خاتمی

روابط ایران و جمهوری آذربایجان در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی نسبت به دوره قبل با افت محسوسی روبه‌رو شد که می‌توان دلایل بسیاری از جمله تشدید تلاش آذربایجان برای ایجاد روابط با اسرائیل، مسئله‌ی دریای خزر، نارضایتی آذربایجان از تحریکات مذهبی ایران و... را ذکر کرد. با این حال در آگوست ۲۰۰۴ رئیس‌جمهور ایران، محمد خاتمی با الهام علی‌اف دیدار کرد و این اولین دیدار رئیس‌جمهوری از ایران بعد از استقلال آذربایجان به این کشور بود. امیدها برای بهبود روابط دو کشور افزایش یافت، اما در عمل نتیجه‌ی ملموسی به بار نداشت (Atai, 2009: 7). همچنین میزان روابط تجاری و بازرگانی بین دو کشور سیر نزولی نسبت به دوره ریاست جمهوری آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی به خود گرفت. با این وجود دو کشور در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی به صورت محدود روابط فرهنگی بین خود به وجود آوردند. به طور مثال یک گروه دانشجویی ۲۲ نفره برای مطالعه در نوامبر ۱۹۹۶ به ایران فرستاده شد (Koolae, 2010: 12).

محمود احمدی‌نژاد

در سال ۲۰۰۶ دیدارهای رسمی و توافقات بین ایران و آذربایجان افزایش یافت. الهام علی‌اف با محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق ایران در تهران دیدار کرد، چندین وزیر ایرانی نیز همچنین از باکو دیدار کردند و شماری پروتوکول بر روی همکاری دوجانبه در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مبادله انرژی، تجارت و ترانزیت صورت گرفت. دو طرف حتی توافقنامه‌ای را در مورد ممنوعیت

اقدام برای حمله به سرزمین یکدیگر امضاء کردند (Atai,2009:7). با این حال روابط ایران و آذربایجان را در این دوره مانند دوره قبل چندان نزدیک و دوستانه نبود. به عنوان مثال در اوایل سال 2012 اقدام برای حمله‌ی تروریستی به سفارتخانه اسرائیل در باکو و علیه چندین نماینده جامعه‌ی یهودی صورت گرفت (Kraus & Suleimanov,2016:11).

حسن روحانی

در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی توجه ویژه‌ای به ایجاد روابط حسنه با جمهوری آذربایجان صورت گرفت و ایجاد روابط با این کشور برای حسن روحانی از اهمیت به سزایی برخوردار بوده و هست. این توجه حتی از سال‌ها قبل از ریاست جمهوری حسن روحانی وجود داشته بود. به عنوان مثال حسن روحانی زمانی که دبیر امنیت ملی ایران بود اعلام کرد که منطقه‌ی قفقاز به طور کلی و جمهوری آذربایجان به طور ویژه متعلق به حوزه‌ی امنیت ملی ج.ا.ایران می‌باشند و اهمیت ویژه‌ای برای منافع ایران دارند (Njafov,2008:11). در ادامه مقاله بیشتر به روابط ایران و جمهوری آذربایجان در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی خواهیم پرداخت.

حیدر علی‌اف

روابط ایران و جمهوری آذربایجان در دوران ریاست جمهوری حیدر علی‌اف شاهد فراز و فرودهای بسیاری بوده و سال‌هایی روابط دو کشور بسیار خوب دوره‌های پرتنش و با سوءتفاهم‌های مختلفی روبه‌رو بود. با این حال با توجه به دوران ریاست جمهوری ابوالفضل الحچی بیگ و دشمنی که او با حکومت ایران داشت می‌توان حیدر علی‌اف را رئیس جمهوری سازش‌گر و صلح دوست نسبت به روابط با ایران دانست. به عنوان مثال اولین توافق نامه‌ی انرژی بین ایران و آذربایجان در سال ۱۹۹۲ در طول ریاست جمهوری حیدر علی‌اف در دیدار از ایران با هدف حل و فصل مشکلات انرژی جمهوری خودمختار نخجوان امضاء شد. (Shakori & Kalehsar,2016:8). در حالیکه ابوالفضل الحچی بیگ اعلام کرد که او ممکن است به دلیل تحقق رویای آذربایجان متحد تمامیت سرزمینی ایران را شناسایی نکنند اما حیدر علی‌اف رئیس جمهور بعدی جمهوری آذربایجان اعلام کرد که ایده‌ی ادغام دو طرف رودخانه ارس و ایجاد جمهوری آذربایجان

متحد جعلی و ساختگی است (Koolae,2010:12) که این اقدامات موجب اعتماد و رضایت ج.ا.ایران از حیدر علی اف شد.

الهام علی اف

روابط ایران و جمهوری آذربایجان در دوران ریاست جمهوری الهام علی اف مانند دوران ریاست جمهوری پدرش دوران پرفراز و نشیبی بوده و مسائل و موضوعات مختلفی از جمله موضوع تعیین حدود دریای خزر، اتهامات جاسوسی دو کشور به یکدیگر، روابط نزدیک آذربایجان با اسرائیل و امریکا و ... روابط دو کشور را در مقطعی دچار سردی و بی اعتمادی کرد. با این حال الهام علی اف تلاش کرد باب روابط دوستانه با ایران را فراهم کند و با سخنرانی و اظهار نظرهای مختلف تلاش کرد مقداری اعتماد مقامات جمهوری اسلامی ایران را به دست آورد. به عنوان مثال الهام علی اف در سال ۲۰۱۰ در مورد پرونده انرژی هسته‌ای ایران در سازمان ملل اعلام کرد که راه حل شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران می‌تواند خطرناک باشد (Koolae,2010:20). همچنین الهام علی اف با محمود احمدی نژاد رئیس‌جمهور سابق ایران در تهران دیدار کرد، چندین وزیر ایرانی نیز همچنین از باکو دیدار کردند و شماری پروتکل بر روی همکاری دوجانبه در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مبادله انرژی، تجارت و ترانزیت صورت گرفت. دو طرف حتی توافقنامه‌ای را در مورد ممنوعیت اقدام برای حمله به سرزمین یکدیگر امضاء کردند (Atai,2009:7).

روابط سیاسی

آذربایجان برای ایجاد روابط سیاسی با ج.ا.ایران بلافاصله بعد از به دست آوردن استقلالش در سال ۱۹۹۱ به طور رسمی اعلام کرد که این کشور ادعایی بر هیچ سرزمینی خارج از مرزهای داخلی اش شامل سرزمین‌هایی که آذری‌های ایران در آن زندگی می‌کنند، ندارد و به همین دلیل شرایط برای برقراری روابط با ج.ا.ایران محیا شد. بنابراین بلافاصله بعد از اعلامیه پارلمان آذربایجان برای اعاده‌ی استقلال آذربایجان در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ و در اوایل دسامبر ۱۹۹۱، وزیر امور خارجه ایران علی اکبر ولایتی از باکو دیدار کرد. او تعدادی توافقنامه در مورد همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی امضاء کرد و قول داد که از عضویت آذربایجان در سازمان همکاری اسلامی حمایت کند (Rabiee & Gharehbey-

gi,2013:12). اما با این حال اگرچه آذربایجان دارای تاریخ و مذهب مشترک و دارای مرزهای آبی و خاکی مشترکی و نیز یک زبان مشترک با اقلیت بزرگی از مردم ایران دارد و در گذشته بخشی از ایران بود، اما روابط ایران و آذربایجان بیش از دو دهه توسعه چندانی نداشت. در برخی موارد ما شاهد بحران‌های جدی بین دو طرف بودیم، از این رو در این بخش به تعدادی از موضوعاتی که بر روابط سیاسی ایران و آذربایجان تاثیرگذار بوده، خواهیم پرداخت.

عوامل مؤثر بر روابط سیاسی ایران و ج. آذربایجان از دهه ۱۹۹۰ تا به امروز

۱. روابط نزدیک ایران و ارمنستان

بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تدافعی کشورها از ترس کشور رقیب یا دشمنشان به ایجاد موازنه تهدید علیه آن کشور دست می‌زنند. از این رو کشور ارمنستان که در طول دهه ۱۹۹۰ حاکمیت ملی و سرزمینی اش از طرف آذربایجان و همچنین ترکیه در خطر بود تلاش کرد که با نزدیکی به ج.ا. ایران موازنه‌ای در رقابت با آذربایجان ایجاد کند. بنابراین یکی از عواملی که همیشه تأثیر منفی بر روابط سیاسی ایران و آذربایجان داشته روابط خوب و حسنه ایران با ارمنستان یعنی بزرگترین دشمن آذربایجان بوده است. در واقع ج.ا. ایران شروع به افزایش روابطش با ارمنستان کرد، بعد از اینکه ترکیه و آذربایجان تحریمات تجاری را در سال ۱۹۹۴ علیه ذخایر انرژی و مواد غذایی ارمنستان اعمال کردند. از طرف دیگر شایعاتی در اوایل دهه ۱۹۹۰ وجود داشت که آذربایجان اعتقاد داشت ایرانی‌ها ارتش سری ارمنستان که به طور مستقیمی در حکومت قره‌باغ اعمال نفوذ و علیه نیروهای نظامی آذربایجان نبرد می‌کرد، تعلیم می‌داد.

حکومت آذربایجان به طور گسترده‌ای اعتقاد دارند که ارمنستان نمی‌توانست بدون کمک‌ها و روابط اقتصادی با ایران سختی‌ها و بحران‌های سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ را تحمل کند. به عنوان مثال در آوریل ۱۹۹۲ در یکی از حساس‌ترین زمان‌های درگیری آذربایجان و ارمنستان ج.ا. ایران موافقت کرد گاز طبیعی و سوخت به ارمنستان عرضه کند و پیوندهای حمل و نقلی اش را با ارمنستان بهبود ببخشد. از این رو مقامات آذربایجان معتقد بودند که بدون دریچه‌ی ایران، ارمنستان مطمئناً در جنگ با آنها نمی‌توانست موجودیت خود را حفظ کند (Shaffer,2003:10). به طور کلی عوامل زیر باعث اهمیت ارمنستان برای

ایران بوده است؛

۱. اهمیت ژئوپلیتیک به دلیل آنکه ارمنستان، ایران را به دریای سیاه، قفقاز شمالی و اروپا متصل می‌کند، از طرف دیگر ایران نیز خود به ارمنستان برای مسیرهای ارتباطی سود می‌رساند.

۳. اهمیت فرهنگی ارمنستان به دلیل حضور اقلیت ارمنه در ایران که بزرگترین اقلیت مذهبی را در ایران دارا می‌باشند.

۴. ارمنستان همچنین از لحاظ سیاسی برای ایران مهم است به دلیل آنکه ایران می‌تواند از لابی‌های اقتصادی و سیاسی قدرتمند ارمنه سود ببرد.

۵. اهمیت اقتصادی برای ورود به بازارهای ارمنستان به خصوص در بخش انرژی (Koolae & Goodarzi, 2015:11).

برای ارمنستان نیز اتحاد استراتژیک با ایران دارای اهمیت‌های زیر است؛

۱. روشی است برای خارج شدن از تحریمات اعمال شده به وسیله آذربایجان و ترکیه که از زمان درگیری قره‌باغ در سال ۱۹۹۲ آغاز شده است.

۲. اتحاد با ایران از وابستگی کامل به مسکو جلوگیری می‌کند.

۳. این اتحاد موجب قابل دسترس شدن ذخایر هیدروکربن ایران برای ارمنستان شده و به ذخایر گاز ارمنستان تنوع می‌بخشد (Moniquet & Racimora, 2013:14).

۴. روابط اقتصادی ایران با ارمنستان توانایی ایروان را برای احیای اقتصاداش علیرغم انزوایی که گریبانگیرش شده را افزایش داده است (Sadri, 2012:10).

۵. کشورهای کوچکی مانند ارمنستان اهمیت کمی دارند و برای حل و فصل مشکلاتشان باید روابطشان را با قدرت‌های بزرگ‌تر از خود (مانند ایران) حفظ کنند (Javadi Arjomand & Keikhosrou&Doulat Yari, 2012:9).

۲. تعیین رژیم حقوقی دریای خزر

بر اساس نظریه واقع‌گرایی تدافعی دولت‌ها برای حل اختلافات خود کمتر به استفاده از زور فکر می‌کنند و برای حل تنش‌های میان خود تلاش دارند آنها را از طریق گفتگو و مذاکره حل و فصل کنند. یکی از مهمترین موضوعاتی که همیشه باعث تنش و اختلاف میان ج.ا. ایران و آذربایجان شده مسئله تعیین حقوقی دریای خزر است. رژیم حقوقی این دریا یکی از مهم‌ترین مسائل دریای خزر است که پس از فروپاشی شوروی، ظهور و بروز بیشتری پیدا کرد. باید توجه

داشت که عدم توافق بر روی تعریف رژیم حقوقی دریای خزر تنها محدود به ایران و آذربایجان ناست، بلکه دیگر کشورهای (روسیه، ترکمنستان و قزاقستان) مجاور دریا با هم اختلاف دارند، هرچند به سبب ذخایر نفت و گاز مشترک در منطقه، این اختلافات بین ایران و آذربایجان جدی‌تر و آشکارتر است. مهم‌ترین عامل اختلاف بین ایران و آذربایجان به دلیل وجود منابع عظیم انرژی این دریا است، به دلیل آنکه بیش از ۹۰ درصد کل ذخایر نفت و گاز آذربایجان در سواحل و در داخل دریای خزر قرار دارد.

ج.ا. ایران در نامه‌ای به دبیر کل سابق سازمان ملل، کوفی عنان در سال ۱۹۹۷ به استخراج یکجانبه دریای خزر به وسیله‌ی آذربایجان اعتراض کرد، با توجه به اینکه ایران اعتقاد دارد که منابع دریای خزر متعلق به همه‌ی کشورهای دریای خزر است (Koolae & Hafezian, 2010:8). حکومت ج.ا. ایران به دنبال آن است که ۲۰ درصد دریای خزر را به جای ۱۲ درصد کنترل کند. به عبارت دیگر ایران می‌خواهد این منطقه را به ۵ قسمت مساوی تقسیم کند. برجسته‌ترین اختلاف بین ایران و آذربایجان در مورد بلوک‌های هیدروکربن آراز^۱، آلوو^۲ و شارگ^۳ ناحیه‌ای با مساحت ۱۴۰۰ کیلومتر مربع و با حدود ۷۰۰ میلیارد متر مکعب گاز است. آذربایجان این میدان را کنترل می‌کند که ایرانیان به آن البرز می‌گویند. حکومت ج.ا. ایران ادعا دارد که میدان آلوو که در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شرقی باکو قرار دارد، بخشی از سرزمین آبی ایران است (Sardashti & Ahmadi, 2016:9).

۳. ایجاد آذربایجان بزرگ

در حالیکه کشور ایران درگیر بحران اقتصادی شدید بعد از جنگ ایران و عراق بود، بیشتر آذری‌های ایران متوجه ظهور کشوری جدید با منابع غنی و ثروتمند به عنوان فرصتی برای بهبود شرایط زندگیشان شدند. در سال ۱۹۸۹ جمعیت‌های آذری که در دو طرف مرز زندگی می‌کردند، مرزهای فیزیکی بین ایران و آذربایجان (نخجوان) را از بین بردند و به سرعت به تبادل اقتصادی و تجاری با هم پرداختند و پیوندهای خانوادگی بین آن‌ها به وجود آمد. به عقیده‌ی مردم آذربایجان، ملت آذربایجان به وسیله‌ی دو امپراطوری ایران و روسیه از هم جدا شدند، آذربایجان

1. Araz

2. Alov

3. Sharg

شمالی در دست شوروی و آذربایجان جنوبی به ایران قرار گرفت. بعد از سال ۱۹۹۱ آذربایجان شمالی توانست استقلال خود را از روسیه به دست آورد، اما آذربایجان جنوبی هنوز در دست ایران قرار دارد.

اما از دیدگاه ایران اسناد تاریخی نشان می‌دهد که چیزی به نام آذربایجان شمالی و جنوبی وجود نداشته و نام «آذربایجان» از زمان سقوط شوروی به وجود آمد و نام اصلی این منطقه آران است (Atai, 2009:9). ترس اصلی برای ایران در مورد الحاق آذری‌ها به آذربایجان در طول دوران ریاست جمهوری ابوالفضل الحی‌بیگ در سال ۱۹۹۲ به وجود آمد. این رئیس‌جمهور سابق آذربایجان اعلام کرد که او ممکن است به دلیل تحقق رویای آذربایجان متحد تمامیت سرزمینی ایران را شناسایی نکند (Koolae & Hafezian, 2010:14). با این حال باید گفت بر خلاف ادعاهای مردم آذربایجان و بعضی از مقامات ناسیونالیست این کشور باید توجه داشته باشیم که آذری‌ها به عنوان آریایی ترکی در نظر گرفته می‌شوند. بسیاری از شخصیت‌های مهم تاریخ ایران مانند شاه اسماعیل صفوی، شاه عباس، نادرشاه افشار و محمد شاه قاجار اصلیتی آذری دارند.

۴. اختلافات ایدئولوژیک

یکی دیگر از موضوعاتی که تأثیر منفی بر روابط سیاسی ایران و آذربایجان گذاشته، اختلافات ایدئولوژیک و نظام سیاسی متفاوت دو کشور است. زمانی که شوروی فروپاشید، اولین جمهوری سکولار پارلمانی ترکی و مسلمان در آذربایجان تأسیس شد. در نتیجه تفاوت بین سیستم سیاسی ایران (مذهبی) و سیستم سیاسی آذربایجان (سکولار) عامل منفی در توسعه روابط دو جانبه بین دو کشور است. حکومت آذربایجان به طور مکرر ایران را برای بی‌ثباتی امنیتی کشورش به وسیله‌ی سازماندهی و حمایت از احزاب مخالف به خصوص گروه‌های اسلامی به منظور نفوذ بیشتر در این کشور متهم می‌کند. به عنوان مثال نامیک آخوندو کسی که در سال ۱۹۹۶ در کمیته‌ی بین‌المللی پارلمان آذربایجان خدمت می‌کرد، حتی ادعا کرد که از نقطه نظر من ج.ا.ایران برای آذربایجان بیشتر از روسیه دشمن به حساب می‌آید که این امر نشأت گرفته از اختلافات ایدئولوژی بین دو کشور به خصوص در سالهای ابتدایی استقلال این کشور است (Souleimanov & Ditarych, 2007:8). ج. آذربایجان تبلیغات و فعالیت‌های ایران بر روی شیعیان آذربایجان

را تهدیدی برای حاکمیت خود به حساب می‌آورد و هرچند وقت یکبار نارضایتی خود را نشان می‌دهد. از نظر آنها روزنامه صدای اسلام که در جمهوری آذربایجان چاپ و تولید می‌شود، توسط ایران حمایت می‌شود. دولت ایران افزون بر این دو شبکه سحر و سحر ۲ را نیز دارد که به زبان انگلیسی و روسی در آذربایجان فعالیت می‌کند. مخالفان این دو شبکه می‌گویند که این شبکه‌ها فقط برنامه‌های مذهبی پخش می‌کنند. در این شبکه‌ها پوشش حجاب برای زنان تبلیغ می‌شود. شیوه دیگر نفوذ ایران در جمهوری آذربایجان به وسیله مدرسه‌های دینی است. در این مدرسه‌ها قرآن خوانده می‌شود و همچنین ادبیات و ایدئولوژی دولت ایران تدریس می‌شود. البته در اواخر دهه ۱۹۹۰ حیدر علی‌اف فعالیت روحانیون ایرانی را در مساجد ممنوع کرد (جوادی ارجمند، رضا زاده و حضرت پور، ۱۳۹۳: ۶).

ناگفته نماند که دستگیری عزاداران حسینی، پخش فیلم‌های مستهجن در ایام محرم از شبکه‌های تلویزیون دولتی باکو و افتتاح کارخانه مشروب‌سازی در روز عاشورا توسط الهام علی‌اف صورت گرفت. از اینرو مراجع عظام تقلید در راستای مقابله با اسلام ستیزی دولت باکو وارد عمل شدند. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰ آیات عظام صافی گلپایگانی و سبحانی تبریزی با نگارش نامه‌هایی خطاب به الهام علی‌اف، وی را به پرهیز از تخریب مساجد و احترام به عقاید مردم شیعه جمهوری آذربایجان فراخواندند (شفقتا، ۹۰/۱۱/۱۹).

۵. روابط اسرائیل با ج. آذربایجان

بر اساس واقع‌گرایی تدافعی کشورها زمانی که احساس کنند تهدیدی از جانب کشور یا کشورهایی علیه آنها وجود دارد سعی در ایجاد موازنه تهدید علیه آن کشور یا کشورها خواهند کرد. از اینرو دو کشور آذربایجان و اسرائیل به واسطه تهدیدی که از نظر آنان ایران برای آنها دارند با یکدیگر نزدیک و متحد می‌شوند. یکی از کشورهایی که در دهه‌های اخیر اسرائیل تلاش کرده در آن حضور داشته باشد تا به وسیله‌ی آن از یکطرف منافع اقتصادی خود را تأمین کند و از طرف دیگر برج.ا. ایران فشار آورد، آذربایجان بوده است. حاکمیت باکو نیز از توسعه‌ی روابط با تلاویو حمایت می‌کند. آذربایجان سومین کشور مسلمانی بود که بعد از مصر و ترکیه روابط اقتصادی و استراتژیک دوجانبه‌اش را با اسرائیل ایجاد کرد

(Abilov,2009:7).

باید توجه داشت که اسرائیل منابع نفتی قابل توجهی ندارد و به طور کامل به واردات نفت وابسته است. مسیر باکو-تفلیس-جیهان برای نفت آذربایجان، همچنین سود بازرگانی محسوسی برای اسرائیل ایجاد کرده است، به خصوص از زمانی که بازار نفت خلیج فارس تحت سلطه‌ی تولیدکنندگان ضداسرائیلی به ویژه ایران قرار گرفت (Murinson,2008:16). در سال ۱۹۹۷ حیدر علی‌اف با نخست‌وزیر اسرائیل بنجامین نتانیاهو در باکو ملاقات کرد و دو کشور اعلام کردند که ایران تهدیدی برای دو کشور و همکاری بین دو کشور به حساب می‌آید. با ترور دانشمندان هسته‌ای ج.ا.ایران، این کشور آذربایجان را به همکاری با اسرائیل متهم کرد و بنابراین سفیر آذربایجان را فراخواند و مراتب ناراضی خود را اعلام کرد. به علاوه در آوریل ۲۰۰۶ رئیس سابق شورای امنیت ملی ایران، علی لاریجانی تهدید به حمله به خط لوله‌ی نفتی جیهان-تفلیس-باکو کرد اگر آذربایجان به همکاری‌هایش با اسرائیل در زمینه‌ی امور نظامی ادامه دهد (Goksel,2015:13).

اسرائیل به دلیل دشمنی که با ایران دارد ایجاد روابط و نزدیکی با جمهوری آذربایجان به دلیل هم‌مرزی با ایران را ضروری می‌داند و از طرف دیگر جمهوری آذربایجان برای ایجاد موازنه با ارمنستان که روابط نزدیکی با ایران دارد می‌تواند از اسرائیل استفاده کند. از طرف دیگر جمهوری آذربایجان نشان داده است که بر اساس راهبرد عملگرایی و ایجاد موازنه استراتژیک در روابط خارجی هم‌زمان با گسترش روابط با ایران، سیاست تعامل و توسعه روابط با تالویو را نیز در موضوعات همکاری‌های انرژی و اقتصادی در پیش گرفته است. اما اینکه آیا باکو خواهد توانست بدون آسیب زدن به روابط با تهران، سیاست نزدیکی بیشتر به تل‌آویو را ادامه دهد موضوعی است که با توجه به حساسیت‌های شدید ایران از باز شدن جای پای اسرائیل به جوار مرزهای خود، امری دشوار به نظر می‌رسد. از سوی دیگر موضوع دیگری که ج.ا.ایران ایران از آن واژه دارد مسئله تلاش اسرائیل برای لبنانیزه کردن جمهوری آذربایجان است. در واقع ج.ا.ایران اعتقاد دارد که تل‌آویو می‌خواهد آذربایجان را با دکتترین محیطی جدید لبنانیزه کند. این بدان معنی است که تل‌آویو قصد دارد منطقه پیرامونی تازه‌ای درست

کند و ایران را از طریق حضور در منطقه کردستان عراق و جمهوری آذربایجان محاصره کند (دیپلماسی ایرانی، ۶ اسفند ۱۳۹۶).

۶. حضور و مداخلات امریکا در سیاست‌های ج. آذربایجان

یکی از مناطقی که همیشه امریکا به آن به عنوان منطقه‌ای که می‌توان ایران را تحت فشار قرار داده و مانع حضور ایران در این منطقه شود، منطقه قفقاز جنوبی بوده است. از این رو ج.ا.ایران در چارچوب استراتژی امنیتی متکی به خود همیشه از مداخله امریکا در قفقاز به عنوان یکی از فاکتورها و منابع اصلی ناامنی‌اش مخالفت می‌کند، به خصوص ناامنی‌هایی که از طرف امریکا احساس می‌کند. زیرا که سیاست امنیتی و خارجی امریکا در قفقاز جنوبی مبتنی بر محرومیت، انزوا و کنترل جمهوری اسلامی ایران به منظور ممانعت از حضورش در این منطقه است. از این رو تلاش دارد که از حضور بیشتر و فعال‌تر ایالات متحده امریکا در منطقه جلوگیری کند.

از سال ۱۹۹۴ آذربایجان سرزمین ایران را به عنوان یکی از مسیرهای صادرات نفتش ملاحظه کرد. مسیر ایران می‌توانست مزیت مهمی را ارائه کند که جایگزین دیگری نداشت. هزینه‌ی ساخت آن پایین بود، موقعیت سیاسی باثباتی در کشور حکمفرما بود، نیازی به سرمایه‌گذاری در زیربناسازی نفت به صورت ناچیز داشت و پایانه نفتی کاملی بر روی خلیج فارس داشت. این‌ها از جمله موضوعاتی بودند که تا بهار ۱۹۹۵ مورد بحث قرار گرفتند. اما از این زمان واشینگتن، باکو را مجبور به کنسل کردن قرارداد با شرکت نفت ایران در کنسرسیوم نفت بین‌المللی کرد (Souleimanov & Cerny, 2012:12). در واقع مسیرهای باکو-تفلیس-جیهان و باکو-ایروان-آنکارا که برخلاف مسیرهای پیشنهادی ایران برای حمل و نقل نفت در دریای کاسپین و آذربایجان است، از سوی امریکا مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

از مسائل دیگری که باعث تیرگی روابط ایران و آذربایجان در سال‌های اخیر شده، حضور سربازان امریکایی و سپر دفاعی امریکا در این کشور بوده است. در سال ۲۰۰۳ اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه سربازان امریکایی در خاک آذربایجان استقرار پیدا کردند (Sharashendize, 2011:3). به طور دقیق‌تر در دیداری با رئیس‌جمهور آذربایجان الهام علی‌اف، دونالد رامسفلد وزیر سابق

دفاع امریکا در مورد تأسیس پایگاه هوایی در شبه جزیره آب شوران (در جمهوری آذربایجان) ابراز علاقه کرد (Khalifa-zadeh, 2014:8). این موضوع تا سال‌ها مورد بحث ایران و آذربایجان بود تا اینکه واشنگتن اعلام کرد که هیچ منظوری از این اقدام نداشته است (یا شاید تفکرش را تغییر داد). البته ایران هم در پاسخ به این اقدامات از ابزارهایی مانند نشان دادن مانورهای نظامی در نزدیکی فضای هوایی آذربایجان استفاده کرد (Sharashendize, 2011:3).

به دنبال این گزارش‌ها و شایعات وزیر خارجه آذربایجان، سفر آبیو هر نوع توافقی بین آذربایجان و وزارت دفاع امریکا برای استفاده از سرزمین آذربایجان برای اقدامات نظامی علیه ایران رد کرد. حیدر علی‌اف نیز تاکید کرد که او اجازه‌ی استفاده امریکا از سرزمین‌اش را علیه ایران نمی‌دهد (Koolae, 2010:16). با این حال از سال ۲۰۱۱ روابط ایالات متحده امریکا با جمهوری آذربایجان به طور مداوم در حال بدتر شدن است. نشانه‌های موجود دال بر تخریب روابط دو کشور است. به عنوان مثال در سال‌های اخیر مقامات ارشد و همچنین حامیان دولت اوپاما، جمهوری آذربایجان را به دلیل مخالفت و چوب‌اندازی در فرآیند عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان سرزنش کردند.

همچنین در فوریه ۲۰۱۵، مشاور ارشد رئیس جمهور آذربایجان در مصاحبه‌ای اعلام کرد که ایالات متحده از جدایی طلبان ناگورنو قره‌باغ به وسیله‌ی اعطای کمک‌های مستقیم مالی به آنها حمایت می‌کند. او همچنین اعلام کرد که روسیه و جمهوری آذربایجان در حال توافق بر روی پروژه‌های انرژی مکمل یکدیگر می‌باشند و به طور صریحی تهدید کرد که جمهوری آذربایجان به غرب وابسته نمی‌شود. در نتیجه فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم شد که روابط‌اش را با جمهوری آذربایجان گسترش می‌دهد که نشانه‌ای آن را در سال‌های اخیر و سفرهای متوالی مقامات دو کشور به سرزمین‌های همدیگر می‌بینیم. با این حال روابط امریکا و جمهوری آذربایجان دو کشور از اواخر سال ۲۰۱۵ دوباره بهبود یافت (Blank, 2017:12).

۷. همکاری و نزدیکی آذربایجان با ناتو

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو دیگر بازیگر حاضر در منطقه‌ی قفقاز جنوبی است که ج.ا. ایران به دلیل عضویت ایالات متحده در این

سازمان و جنبه‌ی نظامی بودن آن هرگز تمایلی به حضور این اتحادیه در نزدیکی مرزهایش ندارد. پس از استقلال کشورهای قفقاز جنوبی، این کشورها به خصوص گرجستان و آذربایجان برای تضمین استقلال‌شان و از ترس قدرت گرفتن دوباره روسیه و دست‌اندازی دوباره به این سرزمین‌ها تصمیم گرفتند که باب گفتگو و همکاری با ناتو برای ملحق شدن به این سازمان را آغاز کنند. در واقع ائتلاف با ناتو و اتحادیه اروپا هدف کلیدی استراتژی سیاست خارجی آذربایجان و گرجستان است و حکومت‌های آذربایجان و گرجستان از رشد منافع اتحادیه اروپا آتلانتیک در منطقه قفقاز جنوبی استقبال می‌کنند و نقش اتحادیه اروپا را برای تقابل با درگیری‌ها و بحران‌ها در منطقه را پذیرفته‌اند. ج.ا. ایران از یک طرف از ناامن شدن مرزهایش به وسیله‌ی ناتو که سرکرده‌ی آن بزرگترین دشمنش (امریکا) است، نگران است و از طرف دیگر می‌داند که با حضور دسته‌های نظامی ناتو بر قدرت ترکیه در منطقه افزون خواهد شد و موازنه‌ی قدرت فعلی در منطقه به خطر خواهد افتاد.

۸. اتهامات جاسوسی ایران و آذربایجان به همدیگر

یک عامل بسیار مهم در اختلاف و درگیری بین ایران و آذربایجان اتهامات جاسوسی علیه یکدیگر است. در اوایل سال ۲۰۱۲ اقدامی برای حمله‌ی تروریستی به سفارتخانه اسرائیل در باکو و علیه چندین نماینده جامعه‌ی یهودی صورت گرفت. در این رابطه مقامات آذربایجان بلافاصله سرویس جاسوسی ایران را متهم کردند که مغز متفکر، سرمایه‌گذار و طرح این حمله توسط این سرویس انجام شده است. تنها دو ماه بعد وزیر امنیت ملی آذربایجان اعلام کرد که ۲۲ شخص متهم به خیانت و جاسوسی برای حکومت ج.ا. ایران را بازداشت کرده است. در فوریه ۲۰۱۵ دو شخص به اتهام جاسوسی برای ج.ا. ایران محکوم به ۲۷ سال حبس به وسیله‌ی دادگاهی در آذربایجان شدند.

این دو نفر متهم به گرفتن عکس، فیلم و جمع‌آوری اطلاعات سری از تعدادی مؤسسات نظامی، همچنین کنسولگری ترکیه و فروش آنها به حکومت ایران شدند (Kraus & Suleimanov, 2016:11). از طرف دیگر

سرویس جاسوسی آذربایجان متهم به فعالیت در ج.ا. ایران است. ایران معتقد است که آذربایجان اقدامات زیادی در استان‌های آذری زبان ایران برای استخدام جاسوسان برای سرویس جاسوسی آذربایجان انجام می‌دهد. بر اساس سند سری انتشار شده به وسیله‌ی موسسه ویکی لیکس^۱ در آوریل ۲۰۱۱ سرزمین آذربایجان به مدت چهار سال مورد استفاده اسرائیل برای جاسوسی در ایران قرار گرفت (Am- & Goudarzi & Baei Lakani, 2013:7).

۹. موضع ایران در قبال بحران قره‌باغ

رئیس‌جمهور آذربایجان الهام علی‌اف اعلام کرد که روابطش با همسایگان و دیگر کشورها به میزان زیادی بستگی به موضع این کشورها در قبال بحران قره‌باغ دارد (Nichol, 2013:7). از این رو موضع ایران در قبال این بحران همیشه بر روابط سیاسی دو کشور تأثیر گذار بوده در واقع آذربایجان انتظار دارد که ج.ا. ایران همانند ترکیه طرف این کشور را در جنگ و بحران با ارمنستان بگیرد. اما ج.ا. ایران با اتخاذ موضع بی‌طرفانه در این بحران باعث ناامیدی و نارضایتی آذربایجان شد. (Brenda, 2017:9) آراز عزیزموف معاون وزیر امور خارجه سابق آذربایجان اعلام کرد که به سبب حمایت ایران از ارمنستان در طول بحران قره‌باغ ما به ایرانیان اعتماد نداریم. همچنین او در مصاحبه‌ای با روزنامه هوریت دیل در اکتبر ۲۰۱۲ اعلام کرد که اگر ارمنستان در مذاکرات بر روی قره‌باغ سرسخت است به دلیل آن است که ایران و همچنین روسیه از این کشور حمایت می‌کنند.

با این حال محسن رضایی در یک مصاحبه‌ای با شبکه‌ی آذری زبان سحر در ۲۷ فوریه ۲۰۱۳ اعلام کرد که شمار زیادی از جمعیت ایران در جنگ قره‌باغ شرکت کردند و با جراحت و آسیب‌دیدگی به ایران بازگشتند، شمار زیادی از ایرانیان نیز شهید شدند و همچنین بعضی از آنها در باکو دفن شدند. به علاوه تجهیزات نظامی به آذربایجان فرستاده شد و آموزش جنگ پارتیزانی از سوی ج.ا. ایران به آنها داده شد. در ماه می ۲۰۱۵ سفیر ایران

۱. ویکی لیکس (WikiLeaks) سازمانی غیرانتفاعی و بین‌المللی است که به ارسال و افشای اسناد از سوی منابع ناشناس می‌پردازد.

در آذربایجان اعلام کرد که ایران جمهوری خودخوانده ناگورنو قره‌باغ را شناسایی نخواهد کرد. همچنین ما انتخابات برگزار شده در این سرزمین را شناسایی نخواهیم کرد (Davoodi, 2016: 5).

۱۰. تلاش عربستان برای نفوذ در آذربایجان

در حالی که عربستان سعودی ایران را متهم به محاصره خود از طریق حمایت از شورشیان در یمن و همچنین حمایت از قطر می‌کند، خاندان آل سعود و جمهوری اسلامی ایران رقابت تلخ خود را فراتر از خاورمیانه و به قفقاز برده‌اند. در فضای رسانه‌ای العربیه که به نظر می‌آید به جای بیان حقیقت‌ها توسط حامیان اغلب فرقه‌گرای حکومت سعودی و سیاست‌های ضدایرانی اشغال شده؛ خانم الحسینی مدعی می‌شود که حضور الهام علی‌اف در فستیوال فرهنگی در عربستان به دعوت ملک سلمان در سال ۲۰۱۷ بخشی از تلاش‌ها برای مقابله با دست اندازی‌های ایران بوده است. رسانه‌های آذربایجان گزارش دادند هیات‌های نظامی آذربایجان و سعودی بر سر همکاری‌های نزدیک‌تر نظامی با یکدیگر از جمله برگزاری رزمایش مشترک نظامی و برخی منافع مشترک دیگر مذاکره کرده‌اند (دیپلماسی، ۹۶/۱۲/۶).

از همین رو وزیر دفاع جمهوری آذربایجان و هیئتی به نیابت از وزارت دفاع عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ در باکو به دیدار و گفت‌وگو پرداختند. دو کشور در زمینه توسعه روابط بین باکو و ریاض در تمامی زمینه‌ها به ویژه نظامی و فنی، نظامی صحبت کردند (فارس، ۹۶/۱۲/۸). روابط ریاض و باکو در حالی در مسیر توسعه قرار گرفته که برخی تحلیل‌گران منطقه‌ای بر این باورند عربستان و رژیم صهیونیستی بدلیل همجواری جمهوری آذربایجان در نزدیکی مرزهای ایران همکاری‌های دفاعی و امنیتی با باکو را به شدت خواستارند. باکو نیز به دلیل درگیری با ارمنستان از هرگونه همکاری دفاعی با دیگران استقبال می‌کند.

۱۱. موضع ج. آذربایجان در قبال برنامه هسته‌ای ایران

بنابر نظریه واقع‌گرایی تدافعی سطحی از همکاری بین دولت‌ها قابل تصدیق است و نمی‌توان گفت که سود یک دولت در عرصه بین‌الملل حتماً

زیان دولت دیگر را در پی دارد. در واقع با وجود اختلافات بین ایران و آذربایجان در طول بیش از دو دهه گذشته، برخی اقدامات و مواضع دو کشور باعث بهبودی روابط دو کشور و آغاز دوره‌ای جدید در روابط سیاسی دو کشور شده است. به عنوان مثال در حالی که اکثر کشورها به اقدامات هسته‌ای ایران بدبین بودند و این کشور را به دلیل فشارهای اتحادیه اروپا و آمریکا طرد کردند، اما حکومت آذربایجان موضع مثبتی را در مورد خواسته‌های هسته‌ای ایران اتخاذ کرد. باکو اعلام کرد باید راه حل دیپلماتیک برای حل و فصل این موضوع در نظر گرفته شود و تاکید کردند که ایران حق دارد که برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را گسترش دهد.

رئیس‌جمهور آذربایجان الهام علی‌اف اعلام کرد که راه حل شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران می‌تواند خطرناک باشد. همچنین آذربایجان در رأی‌گیری سازمان بین‌المللی انرژی اتمی که در مورد اقدامات ضدایران بود، شرکت نکرد. در واقع نماینده‌ی آذربایجان جلسه را زمانی که رأی‌گیری آغاز شد، ترک کرد، در عوض ایران نیز ویزا را برای ورود مردم آذربایجان به ایران لغو نمود (Koolae And Goodarzi, 2015:17). در سال ۲۰۱۷ نیز پس از مواضع ضدایرانی ترامپ و تلاش آمریکا برای از سرگیری تحریمات دوباره علیه جمهوری اسلامی ایران علی حسن‌اف، معاون سیاسی رئیس‌جمهور آذربایجان ضمن اشاره به برخی فشارهای سیاسی بر جمهوری آذربایجان اظهار داشت؛ فشارهای سیاسی وارد به جمهوری آذربایجان برای همقطار شدن با تحریم‌های اعمال شده علیه ایران از طرف آمریکا تأثیرگذار نخواهد بود (آن‌ج، ۱۳۹۷/۲/۱۱).

روابط اقتصادی و تجاری ایران و آذربایجان

ج.ا.ایران و آذربایجان تلاش کرده‌اند که با ایجاد روابط اقتصادی با یکدیگر بر قدرت خود در سطح نظام بین‌الملل بیافزایند. به طور خلاصه روابط اقتصادی ایران با آذربایجان بر روی نفت، گاز، برق، حقوق گمرکی، تجارت، ارتباطات، حمل و نقل و ساخت و ساز است. ج.ا.ایران در سال‌های اولیه استقلال آذربایجان رتبه اول را در بین شرکای تجاری آذربایجان داشت و ترکیه و آمریکا در رتبه‌های بعد از ایران قرار داشتند. حجم روابط تجاری

بین ج.ا. ایران و آذربایجان در زمان ریاست جمهوری آیاز مطلب‌اف به سطح بی‌سابقه‌ای رسید و ویزا برای سفرهای کوتاه‌مدت بین دو کشور نیازی نبود. در سال ۱۹۹۲ ارزش صادرات ایران به آذربایجان ۲۵ میلیون دلار و ارزش واردات ایران از آذربایجان ۱۹۳ میلیون دلار بود. بیش از ۸۰ درصد واردات ایران از آذربایجان، تولیدات نفتی بود. بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ عصر طلایی روابط بین دو کشور بود. اما از سال ۱۹۹۷ و با حذف ایران از کنسرسیوم نفتی و دیگر اقدامات خصومت‌آمیز آذربایجان روابط بین دو کشور نیز سیر نزولی را طی کرد. طی این سال‌ها ایران جزء ۱۰ کشور اول شریک تجاری آذربایجان بود. در واقع روابط سیاسی تنش‌آمیز بین دو کشور در عرصه‌ی تجاری و اقتصادی نیز خود را نشان داد. به طور خلاصه از جمله عواملی که باعث رکود در روابط تجاری میان ج.ا. ایران و آذربایجان در طول دو دهه گذشته شد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

۱. وجود تحریمات گسترده بین‌المللی علیه ایران در طول سال‌های گذشته و ترس کشورها از ایجاد روابط با ایران
۲. وجود اختلافات و تنش‌های سیاسی متعدد در طول دو دهه گذشته میان آذربایجان و ایران
۳. ایجاد روابط تجاری با جمهوری آذربایجان نسبت به دیگر همسایگان مانند کشورهای خاورمیانه در اولویت و درجه دوم قرار دارد.
۴. ناتوانی تجار ایرانی برای حضور گسترده در بازارهای آذربایجان و رقابت با کشورهای مانند ترکیه

جدول شماره ۱۶: آمار صادرات و واردات ایران به جمهوری آذربایجان

واردات ایران از آذربایجان (دلار)	صادرات ایران به آذربایجان (دلار)	سال
193,086,526	25,008,392	1992
410,593,912	67,040,741	1993
395,759,579	199,964,838	1994
208,050,074	160,784,179	1995
250,202,258	183,214,956	1996
118,316,069	186,641,232	1997
38,740,785	114,630,55	1998
25,929,790	114,356,973	1999
23,798,513	253,824,230	2000
20,715,680	295,505,479	2001
25,050,748	233,888,197	2002
96,388,543	287,302,573	2003
128,637,452	238,151,534	2004
163,919,254	304,336,883	2005
281,699,837	295,200,666	2006
322,157,933	320,018,666	2007
240,045,015	239,165,859	2008
171,657,505	354,746,164	2009
111,492,297	355,272,258	2010
37,494,287	440,395,598	2011
44,494,287	446,713,221	2012
31,385,959	434,990,918	2013
22,385,959	403,299,272	2014
32,266,588	218,082,237	2015

منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

روابط انرژی

روابط انرژی بین ایران و آذربایجان به دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد. اولین توافقنامه‌ی انرژی بین ایران و آذربایجان در سال ۱۹۹۲ در طول ریاست جمهوری حیدر علی‌اف در دیدار از ایران با هدف حل و فصل مشکلات انرژی جمهوری خودمختار آذربایجان امضاء شد. طبق این توافق، ایران ساخت خط لوله‌ای از خوی (شهری در استان آذربایجان غربی) به جلفا و درون نخجوان را عملیاتی کرد. در واقع همکاری انرژی می‌تواند به ایران و آذربایجان برای بهبود و توسعه روابط و پیوندهای دوجانبه‌شان کمک کند. ج.ا. ایران با جمهوری آذربایجان برای سال‌های زیادی برای توسعه‌ی میدان گازی شاه‌دیز برای مصرف در جمهوری آذربایجان همکاری می‌کند. مدیر شرکت نفت آذربایجان، ناطق علی‌اف از ایران در اکتبر ۱۹۹۵ برای گرفتن سهمی در توسعه میدان نفتی شاه‌دیز دعوت کرد (Koolae & Hafezian, 2010:14).

در نتیجه در ۴ ژوئن ۱۹۹۶ توافق‌نامه تولید و استخراج میدان شاه‌دیز به وسیله‌ی جمهوری آذربایجان و شرکت‌های خارجی امضاء شد و طی آن سهم شرکت ایرانی ۱۰ درصد اعلام شد. شرکت تاپو^۱ ترکیه نیز سهم ۹ درصدی را به دست آورد. مرحله‌ی دوم میدان گازی شاه‌دیز پروژه‌ای است که از سال ۱۹-۲۰۱۸ آغاز می‌شود و استخراج گاز از این میدان را به 16bcm افزایش می‌دهد. آذربایجان برنامه دارد که با اجرای مرحله‌ی دوم این طرح تولیدات گازی‌اش را به ترکیه و اروپا از طریق پروژه‌ی تاناپ^۲ صادر کند. جمهوری اسلامی ایران نیز علاقه مند است که سهمش را در پروژه‌ی مرحله دوم شاه‌دیز با هدف ایفای نقش مهم در منابع انرژی دریای خزر افزایش و توسعه دهد، هرچند که مذاکرات هنوز به نتیجه نرسیده است (Shakori Kalehsar, 2016:4). در سال ۲۰۰۴ نیز دو کشور ایران و آذربایجان برای انتقال گاز به نخجوان با تعهد ایران به عرضه یک میلیون متر مکعب هر ساله تا ۲۵ سال آینده به توافق رسیدند. در ژانویه ۲۰۱۱ ایران قراردادی را با آذربایجان امضاء کرد که بر مبنای آن آذربایجان ۱۰ میلیون متر مکعب گاز در سال از این کشور وارد کند. آذربایجان مشتاق است تا صادرات انرژی‌اش را به وسیله‌ی ایران تنوع ببخشد (A.Sadri, 2012:8).

1. TAPO

2. TANAP

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان با وجود شباهت‌های قومی، مذهبی، زبانی، فرهنگی و مجاورت جغرافیایی اختلافات و تنش‌های بسیاری در بیش از دو دهه گذشته با یکدیگر داشته‌اند. اما با این حال، دو کشور همواره تلاش کرده‌اند از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز و دوستانه اختلافات خود را حل و فصل کنند. ما برای تبیین این روابط از نشریه واقع‌گرایی نوکلاسیک و یکی از شاخه‌های آن یعنی واقع‌گرایی تدافعی بهره گرفته‌ایم. بر اساس این رویکرد دو کشور در بدترین حالت تلاش کرده‌اند در برابر یکدیگر از موازنه تهدید استفاده کنند.

ما در این مقاله برای پاسخ به سوالمان که عبارت بود از «عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ کدامند و چه تأثیری بر روابط دو کشور گذاشته است؟» به روابط سیاسی، اقتصادی و انرژی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان و عوامل تأثیرگذار و موانع پیش روی این روابط با استفاده از چهارچوب نظری واقع‌گرایی نوکلاسیک پرداختیم تا متوجه بشویم که آیا ج.ا.ایران توانسته به هدف اصلی‌اش در این کشور که ایفای نقش محوری و دستیابی به منافع‌اش است، دست یابد یا خیر. ما در این مقاله متوجه شدیم که جمهوری اسلامی ایران همیشه اختلاف‌ها و تنش‌های جدی مانند اختلاف بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، اندیشه ایجاد آذربایجان بزرگ از طرف برخی نخبگان جمهوری آذربایجان، نفوذ اسرائیل و آمریکا بر سیاست‌گذاری‌های این کشور و تلاش آنها برای فاصله انداختن بین ایران و آذربایجان، اختلافات ایدئولوژیک، اتهامات جاسوسی ایران و جمهوری آذربایجان علیه یکدیگر، موضع ایران در قبال بحران قره‌باغ، همکاری آذربایجان با ناتو، مسیرهای انتقال منابع انرژی جمهوری آذربایجان و البته نادیده گرفتن ایران از شرکت در قرارداد قرن در بیش از دو دهه اخیر با جمهوری آذربایجان تجربه کرده که باعث شده همکاری دو کشور آن طور که باید باشد، پیش نرود.

اما با این حال بعضی همکاری‌ها و تفاهمات مانند موضع مثبت جمهوری

آذربایجان از برنامه هسته‌ای ایران و تنها نگذاشتن ایران در دوره‌ی تحریمات جامعه بین‌المللی علیه ایران، حمایت ایران از تمامیت سرزمینی جمهوری آذربایجان و نشست‌ها و جلسه‌های متعدد در دو سال اخیر و البته برداشته شدن تحریمات موجب شده که چشم انداز مثبتی را در روابط دو کشور در سال‌های آتی متصور شویم. همچنین باید در نظر داشت که در طول این سالها روابط تجاری و انرژی بین دو کشور در جریان بوده و هیچ وقت متوقف نشده اما با این حال تنش‌های سیاسی بین دو طرف همیشه باعث نوسان در روابط تجاری و انرژی بین دو کشور را فراهم کرده است. به طور خلاصه بعضی از توصیه‌هایی که می‌تواند به بهبود و توسعه‌ی روابط بین دو کشور آذربایجان و ایران کمک کند عبارت‌اند از؛

۱. برخی مشکلات سیاسی مانند موارد ذکر شده در مقاله که در عرصه‌ی روابط بین‌الملل مرسوم و عادی هستند نباید در روابط بین دو کشور مسلمان مانعی ایجاد کند که مبتنی بر اصول همسایه‌ی خوب و برادری است.
۲. روابط بین دو کشور لازم است که مبتنی بر عقل و تدبیر باشد و دو کشور هرگز در امور داخلی یکدیگر به دخالت نزنند و اقداماتی را انجام ندهند که دو کشور این طور برداشت کنند که کشور دیگر خواهان تغییر رژیم در آن کشور است. به خصوص در زمینه مذهبی و نحوه برخورد با مسلمانان در جمهوری آذربایجان از اظهارنظرهای تند که موجب تیرگی روابط دو کشور می‌شود، خودداری کنند.
۳. به منظور توسعه روابط اقتصادی بین دو کشور رویه‌های حقوقی معتبر (قراردادها و توافقنامه‌ها) در سطح حکومتی لازم است. همچنین تشویق سرمایه‌گذاران و تاجران ایرانی برای حضور در بازارهای جمهوری آذربایجان و رقابت با سرمایه‌گذاران ترکی و روسی.
۴. دو کشور باید در مورد مسئله تعیین حدود دریای خزر مسالمت‌آمیزترین راه‌حل را دنبال کنند و از ضایع شدن حقوق یکدیگر بپرهیزند و شرایط مناسب برای نگه داشتن صلح، ثبات و امنیت در دریای خزر را فراهم کنند.
۵. زمینه‌های لازم برای ایجاد روابط تجاری و انرژی بیشتر که به سود طرف است با برداشته شدن موانع پیش رو را تحقق ببخشند. در واقع در زمینه‌ی

ایجاد روابط تجاری و انرژی ج.ا.ایران باید تحرک بیشتری از خود نشان دهد و به طور کلی در برنامه‌های تجاری و انرژی خود تجدیدنظر کند تا از کشورهای دیگر مانند ترکیه در زمینه روابط تجاری و بازرگانی عقب نماند یا حداقل فاصله پیش آمده را کمتر کند.

۶. توجه داشته باشند که هر کشوری حق دارد برای پیشرفت با هر کشوری روابط برقرار کنند و در این مورد از خود شکیبایی نشان دهند. در واقع، ج.ا.ایران باید به جمهوری آذربایجان این حق را بدهد که با تمام کشورهای جهان به خصوص اسرائیل روابط برقرار کند و این امر نباید باعث آزردن خاطر شدن حکومت شود.

۷. با توجه به حضور اقلیت آذری در کشور جمهوری اسلامی ایران از آنها برای ایجاد روابط بهتر با جمهوری آذربایجان حداکثر استفاده را کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

منابع فارسی

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، روابط ایران و جمهوری آذربایجان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

امیراحمدیان، بهرام و رضازاده، حبیب و جرفی، احمد (۱۳۹۵)، "تحلیل روابط ایران و ارمنستان با استفاده از چارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی"، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۹-۴۱

جوادی ارجمند، محمدجعفر و رضازاده، حبیب و حضرت‌پور، سعیده (۱۳۹۲)، "بررسی علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان"، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۷، شماره ۱، صص ۵۷-۸۰

سلیمی، حسین و ابراهیمی، منار (۱۳۹۳)، "مبانی نظری، فرانظری و نقد نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک"، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نخست، شماره هفدهم، صص ۲۴-۱۳.

حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۲)، "واقع‌گرایی نوکلاسیک: از سیاست بین‌الملل تا سیاست خارجی"، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و هفتم، شماره ۳.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

عباسی، مجید و موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۲)، "روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان"، *بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی، مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۶۱-۸۰.

منابع خارجی

Atai, Farhad. (2009). "The Dynamics of Bilateral Relations in the South Caucasus: Iran and its North Neighbors." **THE CHINA AND EURASIA FORUM QUARTERLY**. Vol. 7. No. 3, pp 1-14.

Abilov, Shamkhal. (2009). "THE AZERBAIJAN-ISRAEL RELATIONS: A NONDIPLOMATIC, BUT STRATEGIC PARTNERSHIP." **Orta Asya ve Kafkasya Araştırmalar** ,vol.8, pp 138-156.

Arjomand, Mohamad Jafar Javadi, and Yazdan Keikhosrou Doulatyari.

(2012). "A Geopolitical Analysis of Iran and Armenia Relationship Based on the Thomas Anderson Theoretical Framework and a Plan for a Regional Integration after the Process of Normalization of Turkey-Armenia Relationship."

Blank, Stephen. (2017). Missing in action: US policy. "The International Politics of the Armenian-Azerbaijani Conflict". **Palgrave Macmillan US**, pp125-148.

Davoodi, Taghi. (2016). "Political and Cultural Relations between Iran and Azerbaijan: A Review." **International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS)** ISSN 2356-5926 1.1, pp 1997-2004.

Goksel, Oğuzhan. (2015). "Beyond Countering Iran: A Political Economy of Azerbaijan-Israel Relations." **British Journal of Middle Eastern Studies** 42.4, pp 655-675.

Kraus, Josef, and Emil Souleimanov. (2016). "A Failed Comeback? Understanding Iranian Policies in the South Caucasus." **Journal of Balkan and Near Eastern Studies** 18.5, pp 448-464.

Koolae, Elaheh And Hafezian, Mohammad Hossien. (2010). The Islamic Republic of Iran and the South Caucasus Republics. **Iranian Studies**, volume 43, Number 3, pp1-19.

Koolae, Elaheh, and Mahnaz Goodarzi. (2015) "Turkey-Armenia Rapprochement and Its Impact on Iran-Armenia Relations." **Hemispheres** 30.2, pp 57-76.

Khalifa-Zadeh, Mahir. (2014). "THE SOUTH CAUCASUS: OBAMA'S FAILED RUSSIA "RESET" AND THE PUTIN DOCTRINE IN PRACTICE." **Middle East** 18.3, pp 33.

Moradi, Naser, and Alireza Amini. (2016). "Iran's Regional Concerns and Security Strategies in South Caucasus." **International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS)** ISSN 2356-5926, pp1804-1817.

Moniquet, Claude, and William Racimora. (2013). "The Armenia–Iran Relationship: Strategic Implication For Security in the South Caucasus Region." **European Strategic Intelligence & Security Center** 17.

Murinson, Alexander. (2008). "Azerbaijan–Turkey–Israel Relation the Energy Factor." **Middle East Review of International Affairs** 12.3, pp47–64.

Najafov, Huseyn. (2008). "Iran and the Southern Caucasus." **Central Asia and the Caucasus** 1 (49).

Nichol, Jim. "Azerbaijan: Recent Developments and US Interests. (2013)." **Current Politics and Economics of Russia, Eastern and Central Europe** 28.2, pp 199–212.

Iashaki, Abdollah Baei, Masoumeh Rad Goudarzi, and Davood Amraei. (2013). "The roots of tension in South Caucasus: The case of Iran–Azerbaijan relationship." **J. Pol. & L.** 6, pp141.

Rabiee, Hossein, and Mosayeb GharehBeygi. (2013). "Geopolitical–Based Foreign Policy of Iran and Gaining Hegemony in the Transcaucasia Region." **International Journal of Scientific Studies** 1.2, pp 1–17.

Shokri Kalehsar, Omid. (2016). "Iran–Azerbaijan Energy Relations in the Post–Sanctions Era." **Middle East Policy** 23.1, pp 136–143.

Sardashti, Fahimeh, and Hamid Ahmadi. (2016). "The Surrounding Regions of Iran and the Regionalism in Foreign Policy of Islamic Republic of Iran." **J. Pol. & L.** 9, pp 1–13.

Sadri, Houman A. (2012). "Iran and the Caucasus states in the 21st century: a study of foreign policy goals and means." **Journal of Balkan and Near Eastern Studies** 14.3, pp383–396.

Souleimanov, Emil, and Ondrej Ditrych. (2007). "Iran and Azerbaijan: a contested neighborhood." **Middle East Policy** 14.2, pp101–116.

Souleimanov, Emil, and Filip Černý. (2012). "The Southern Caucasus Pipelines and the Caspian "Oil diplomacy" The issue of transporting Caspi-

an oil and natural gas to world markets." **RIPS: Revista de Investigaciones Políticas y Sociológicas** 11.4,pp77-105.

Cornell, Svante E. (2017) "Turkey's Role: Balancing the Armenia-Azerbaijan Conflict and Turkish-Armenian Relations." *The International Politics of the Armenian-Azerbaijani Conflict*. **Palgrave Macmillan US**,pp89-105.

Sharashenidze, Tornike. (2011). "The role of Iran in the South Caucasus." **Caucasus Analytical Digest** 30,pp 2-5.

در دسترس: <http://www.tccim.ir/>.

<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1975178/%D8%AC%D9%85%D9%87%D9%88%D8%B1%DB%8C+%D8%A2%D8%B0%D8%B1%D8%A8%D8%A7%DB%8C%.it>.

<http://www.farsnews.com/13961117001987>. The current page could have changed in the meantime.

<http://shafaqna.com/persian/elected/item/6776-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%AF-%D8%A8%D9%87->.

his is Google's cache of <http://www.anaj.ir/News/100686/%D8%B9%D8%AF%D9%85->.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی